

برای آگاهی!

یکم آذرماه، پانزدهمین سالگرد قتل فجیع داریوش و پروانه فروهر فرامی‌رسد. در روز چهارشنبه ۲۲ آبان‌ماه به روال سال‌های پیش به ایران آمدم تا امسال نیز این روز تلخ را در این سرزمین به سر کنم که جایگاه یادها، تلاش‌ها و آرزوهای پدرمادرم است، سرزمینی که همواره بیش از جان دوستش داشتند. به روال این سال‌ها سماجت و امید توشه‌ی راه کردم تا شاید امسال گشایشی در این ظلم ممتد پدید آید و بتوان در سالروز جنایت، یاد آن دو دلاور را گرامی داشت، که همواره پرتلاش، آزاده و حق‌گو زیستند و جان خویش نثار پایداری بر باورهایشان کردند.

در ابتدا برخی نویدهای خوشایند درباره‌ی امکان برگزاری آیین بزرگداشت شنیده می‌شد. برخورد مثبت مسئولان در وزارت کشور و فرمانداری تهران در برابر تقاضانامه‌ی کتبی ما نیز سبب خوشبینی بود. روز شنبه ۲۵ آبان ماه در یک تماس تلفنی برای فردای آن روز به یکی از دفترهای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی فراخوانده شدم. آنچه در این نشست به من گفته شد آنچنان دوپهلوی و پرابهام بود که تنها پس از پرسش‌های سمج و مکرر خود موفق به دریافت محتوای واقعی آن شدم. در ابتدا گفتند که برگزاری این مراسم در خانه مجاز خواهد بود. پس از چند جمله در باب لزوم حفظ نظم، که البته مورد توافق دو طرف است، اضافه کردند که "از شرکت گروهک‌ها و ضدانقلاب و عناصر مشکوک که در صدد توطئه و جوسازی هستند جلوگیری خواهد شد". از آنجا که اینگونه واژه‌های مبهم و پراهمان مصداق مشخصی برای من ندارد سعی کردم با طرح پرسش‌های واضح منظورشان را دریابم. سرانجام دریافتیم که خطابشان در واژه‌های ذکر شده به گستره‌ی وسیعی از شخصیت‌های سیاسی و هموندان نهادهای پرسابقه‌ی سیاسی و فرهنگی کشور ما ست، که بخش بزرگی از دگراندیشان جامعه را تشکیل می‌دهند. یادآوری کردم که پدرمادرم دو شخصیت سرشناس سیاسی، پایبند به مبارزه‌ی تشکیلاتی و همواره مدافع حقوق دگراندیشان بوده‌اند و بسیاری از نزدیکان و دوستانشان، که حق شرکت در این مراسم را دارند، متعلق به این طیف محترم هستند. پاسخی نگرفتم.

در برابر پرسش من که اگر از حضور هم‌زمان و همراهان سیاسی پدرمادرم و بطورکلی از حضور بخش بزرگی از دگراندیشان در این آیین جلوگیری خواهد شد، پس چه کسانی مجاز به ورود به خانه‌ی ما خواهند بود؟ پاسخ دادند "بستگان نسبی و سببی و همسایه‌ها". حالا لابد این افراد نیز بایستی پیش از ورود شناسنامه و شجرنامه و مدرک اثبات همسایگی به مأموران ارائه دهند! حیف شد که نپرسیدم.

آنچه نوشتم شرح آن چیزی است که حدود مجاز برای برگزاری مراسم بزرگداشت داریوش و پروانه فروهر تعیین شده و به طور رسمی به من گفته شده است.

به باور من این شیوه تنها سرپوشی ست بر همان ممنوعیت‌هایی که در هفت سال گذشته به ناحق بر ما تحمیل شده است. می‌خواهند ممنوعیت را اعمال کنند اما از بیان واضح آن طفره برونند و نام دیگری برای آن جعل کنند. در طی این سال‌ها بارها و بارها با تحریف و جعل مفاهیم روبرو شده‌ام؛ مخدوش کردن حقایق از سوی مسئولان قضایی، زیر نام دادرسی پرونده‌ی قتل پدرمادرم واضح‌ترین و دردناک‌ترین این جعل‌ها بوده است.

تن دادن به اینگونه تحریف‌ها و تحمیل‌های فرمایشی توهین به باورها و معیارهایی ست که زندگی و مرگ پرافتخار داریوش و پروانه فروهر را رقم زد. برگزاری یک گردهم‌آیی دست‌آموز و فرمایشی در سالروز قتل آن دو توهین به شجاعت و استواری آنان ست. یادشان را در اعتراض به ظلم می‌توان گرامی داشت، نه در تن دادن به تحمیل.

اگرچه امسال نیز به این روند تحمیلی و ممنوعیت‌برگزاری آیینی درخور داریوش و پروانه فروهر اعتراض کردم اما این بار نیز اعتراض‌ها بی‌نتیجه ماند. ... آن‌ها زور دارند و ظلم پیشه کرده‌اند و ما صبر داریم و امید به آینده بسته‌ایم، کاش شجاعت و جسارت جانب‌باختگانمان را نیز گاهی داشته باشیم.

یاد آنان زنده باد که در راه آزادی ایران جان باختند.

پرستو فروهر

تهران، ۲۷ آبان ماه ۱۳۹۲